

سمن از اولویت اقتصاد ایران در پسا جنگ گزارش می دهد

پساجنگ؛ آزمون سرنوشت ساز اقتصاد



شهناز صفایی
editor@smtnews.ir



استراتژی توسعه صادرات غیر نفتی و اصلاح سیاست های تامین و توزیع ارز
محمود بازاری
کارشناس تجارت خارجی

یادداشت

قائم مقام وزیر صمت در امور بازرگانی اخیرا در راستای تخصیص سهم بیشتری از منابع ارزی به صنعت و تولید به دو سیاست وزارتخانه متبوع مبنی بر تعریف منابع جدید برای تامین ارز و اصلاح سیاست های توزیع ارز اشاره داشته اند که از منظر حکمرانی تجاری و ارزی واجد اهمیت است.

در دهه های اخیر متناسب با رویکرد دولت ها و قوانین بالادستی این دو سیاست مهم و اولویت دار دچار افت وخیز بوده و به طور استثنا در برخی دوره ها عمدتا مورد غفلت های جدی قرار گرفته است و به ویژه این عدم توجه در حوزه ارزآوری و تامین منابع جدید ارزی پررنگ تر بوده است.

اگرچه سیاست جهش صادرات غیرنفتی در برنامه های سوم و چهارم توسعه، محور اصلی تامین بخش مهمی از مصارف ارزی کشور به ویژه در حوزه تولید بود، اما با افزایش تحریم های بین المللی علیه ایران و تنش های منطقه ای در پایان دهه هشتاد شمسی و اوایل دهه نود و رشد قیمت جهانی نفت، این سیاست هدفمند را به محاق برد تا جایی که با انحلال شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۸۹ جهت گیری و فرایندهای نهادی و تصمیم سازی توسعه صادرات غیرنفتی با شوک غیرمترقبه ای مواجه شد که با پیگیری و تلاش کارشناسی سازمان در همان سال ساختار تصمیم سازی جدیدی با همان اختیارات شورا به تصویب دولت رسید که نهایتا اهداف کلان و عملیاتی توسعه صادرات غیرنفتی کشور را هماهنگی و پایش می کرد که این رویکرد دقیقا تاکید بر استراتژی روشن سازمان توسعه تجارت بر اهمیت ارزآوری و متنوع سازی مسیرها، مبادی و ظرفیت های تامین منابع ارزی برای کشور بوده است.

تجربه سال های اخیر به ویژه از ابتدای دهه نود شمسی که تنوع و فشار فزاینده تحریم های بین المللی را شاهد بودیم نشان می دهد مهم ترین اولویت سیاست متنوع نمودن مبادی تامین ارز، برنامه ریزی برای ایجاد تنوع در تولید و صادرات کالا و خدمات و تسهیل و تشویق ارزآوری از این مسیر است و این سیاست ضروری و مهم کشور جز با اصلاحات نهادی و رویکردی در حکمرانی تجارت خارجی عملی نخواهد شد. به عبارت دیگر تا زمانی که حکمران تجارت خارجی به جایگاه و نقش اصلی خود واقف نشود و دولت نسبت به حذف مداخله ها و سیاست های جزیره ای و دستوری اقدام ننماید امکان عملیاتی شدن سیاست متنوع سازی منابع ارزی و اصلاح گری در سیاست توزیع ارز امکان پذیر نخواهد شد.

یکی از نمونه های تامین منابع ارزی تولید، صادرات بنگاه های تولیدی و استفاده آنها از ارز صادرات خودشان برای واردات مواد اولیه خودشان است در صورتی که مقررات و ضوابط زائد و پیچیده و بروکراسی سنگین در بدنه وزارت صمت جلوی انجام این ضرورت را گرفته است و واحدهای تولیدی از تولید و مصرف ارز دسترنج خودشان هم محروم هستند.

به نظر می رسد رویکردها و سیاست های اصلاحی در حوزه تامین و توزیع ارز مورد نیاز حوزه تولید، نیازمند اراده، بینش و تجربه مدیریتی و عملیاتی به همراه ضمانت اجرایی است و این امر قطعاً از مسیر کار کارشناسی دقیق و طراحی برنامه های دوره بحرانی پساجنگ امکان پذیر است؛ چراکه نتیجه بسیاری از سیاست گذاری ها و ضابطه گذاری های سلیقه ای و یک شبه نشان می دهد که کار کارشناسی فدای منافع و عافیت طلبی شخصی شده و فرصت های ناب ارزآوری برای کشور از دست رفته است. اجمالا اینکه برای حصول یک سیاست دقیق و کارآمد تامین و توزیع ارز برای حوزه تولید، یک اقدام اساسی حذف سقف صادرات و واردات واحدهای تولیدی است و از سوی دیگر حمایت از توسعه صادرات شقوق مختلف خدمات از طریق حذف مقررات و ضوابط ارزی زائد و غیر ضرور برای تحرک بخشیدن به ارزآوری این حوزه است. راهکار دیگری که به متنوع شدن منابع ارزی منجر می شود حذف مقررات، ضوابط و بروکراسی زائد سر راه ورود موقت برای صادرات است موضوعی که سال هاست در راستای تقویت سید منابع جدید ارزی کشور بر آن تاکید شده، اما همچنان در پیچ وخم های اداری و تصمیمات سلیقه ای دستگاه های دولتی پلاتکلیف است.

اقتصاد ایران بر لبه مرز میان فرسایش و فرصت حرکت می کند؛ اقتصادی که هم زمان زیر فشار خسارت های جنگ، نااطمینانی های منطقه ای و محدودیت های مالی دولت قرار دارد، اما در عین حال از ظرفیت های جغرافیایی، دریایی و انسانی قابل توجهی بهره مند است.

زیر پوست شاخص های کلان، بسیاری از بنگاه های

تولیدی و خدماتی با کاهش تقاضا، تنگنای نقدینگی و هزینه های رو به افزایش روبه رو هستند و بیش از آن که به توسعه فکر کنند، برای زنده نگه داشتن فعالیت های موجود می جنگند.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که چگونه می توان از این وضعیت برزخی عبور کرد بدون آن که

ضرورت تکیه بر بخش خصوصی در دوره پساجنگ

تدریجی توان تولید و تضعیف پایه های اشتغال منجر شود؛ فرسایشی که اثرات آن نه فقط در آمارها، بلکه در زندگی روزمره مردم قابل مشاهده خواهد بود. در این میان، نقش سیاست گذاری اقتصادی تعیین کننده است. در دوره های بحران و نااطمینانی، تاکید صرف بر کنترل کوتاه مدت، بدون توجه به پایداری بلندمدت، می تواند به انباشت مشکلات ساختاری منجر شود. آنچه امروز اقتصاد ایران نیاز دارد، ترکیبی از ثبات سازی و امیدآفرینی است؛ ثبات سازی از طریق قواعد قابل پیش بینی، کاهش نوسان در تصمیم های اجرایی، و پرهیز از شوک های ناگهانی به بازارها؛ و امیدآفرینی از مسیر برنامه های روشن برای حمایت از تولید، تسهیل فعالیت بنگاه ها و ایجاد فضای مناسب برای سرمایه گذاری جدید. این دو، بدون گفت و گو مستمر میان دولت و فعالان اقتصادی محقق نخواهد شد. در این نقطه، اهمیت بخش خصوصی بیش از هر زمان دیگر آشکار می شود. بخش خصوصی، عملاً در خط مقدم مواجهه با تحولات بازار، تغییر رفتار مصرف کنندگان و محدودیت های بحران مالی قرار دارد و بهتر از هر نهاد دیگری می تواند نشانه های بحران و فرصت را تشخیص دهد. مشارکت واقعی بخش خصوصی، تنها

افزایش مشارکت بخش خصوصی؛ مهم ترین راهکار عبور از بحران

تولید و ارائه خدمات است. در چارچوب همین رویکرد، نشست های تخصصی جداگانه ای با بیش از ۴۰ انجمن عضو فدراسیون مدیریت و مشاوران کسب و کار برگزار شده تا ضمن بررسی مشکلات هر حوزه، راهکارهای عملی برای عبور از شرایط فعلی تدوین شود و به اتاق ایران و نهادهای تصمیم گیر ارائه گردد. کارشناس اقتصاد با اشاره به ضرورت استفاده از ظرفیت دیپلماسی اقتصادی اظهار کرد: در کنار مذاکرات داخلی، نشست هایی با وزارتخانه های مرتبط و همچنین وزارت امور خارجه برگزار شده تا از ظرفیت دستگاه دیپلماسی برای حمایت از فعالیت های بین المللی شرکت ها و انجمن های عضو فدراسیون بهره گرفته شود. وی خاطرنشان کرد: اگر پیوند میان بخش خصوصی، دستگاه های اجرایی و نهاد دیپلماسی به درستی برقرار شود، امکان حفظ بازارهای خارجی، تداوم قراردادهای بین المللی و جذب سرمایه و فناوری خارجی در دوره پساجنگ تقویت خواهد شد و این امر خود به تثبیت وضعیت موجود و ایجاد افق های تازه برای تولید کمک می کند.

پیش بینی سخت

پدیدار با اشاره به چشم انداز اقتصاد کشور در صورت تداوم بحران ها گفت: در شرایط فعلی نمی توان با قطعیت درباره آینده اقتصاد ایران سخن گفت، زیرا تحولات منطقه ای همچنان ادامه دارد و برخی نقاط راهبردی کشور، به ویژه در جنوب، تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته اند. وی افزود: این نااطمینانی باعث شده بسیاری از سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی در تصمیم گیری های بلندمدت احتیاط بیشتری به خرج دهند و به سمت استراتژی های محافظه کارانه حرکت کنند. با این حال، ایران از ظرفیت های جغرافیایی، دریایی و اقتصادی قابل توجهی برخوردار است و می تواند با مدیریت درست، ثبات خود را حفظ کرده و حتی از این ظرفیت ها

سخن پایانی

بنابراین گزارش، اقتصاد ایران در دوره پساجنگ بر سر دوراهی مهمی ایستاده است؛ یا در مسیر فرسایش تدریجی توان تولید و اشتغال حرکت می کند، یا با استفاده از ظرفیت های داخلی و تکیه بر همکاری دولت و بخش خصوصی، راه تثبیت و توسعه را برمیگزیند. آنچه در این گزارش برجسته شد، نیاز فوری به حفظ وضعیت موجود بنگاه ها به عنوان خط مقدم دفاع اقتصادی، در کنار

پایه های تولید و اشتغال آسیب بینند؟ **سمن** در این گزارش می کوشد به این پرسش پاسخ دهد و نشان دهد حفظ وضعیت موجود بنگاه ها، در کنار بازتعریف رابطه دولت و بخش خصوصی، چگونه می تواند مسیر اقتصاد ایران را از دفاع در برابر بحران، به سمت تثبیت و سپس حرکت تدریجی به سوی توسعه هموار کند.

به معنی شنیدن گلابها نیست؛ بلکه به رسمیت شناختن آن به عنوان شریک سیاست گذاری، انتقال تجربه های میدانی به سطح تصمیم سازی و استفاده از ظرفیت شبکه تشکلهای و انجمن ها برای طراحی راه حل های عملی است. در غیاب این مشارکت، فاصله میان متن اقتصاد و اتاق های تصمیم گیری بیشتر می شود و خطر سیاست هایی که با واقعیت کسب و کار ناسازگارند، افزایش می یابد. در نهایت، عبور از وضعیت فعلی، بدون بازتعریف رابطه دولت و بخش خصوصی ممکن نیست. اقتصاد که با فشارهای متراکم و انتظارات بالا روبه روست، نیازمند اعتماد دوجانبه، شفافیت بخش خصوصی و تقسیم مسئولیت ها است. اگر بخش خصوصی احساس کند نقش او صرفاً اجرای تصمیم های از پیش تعیین شده است، انگیزه ای برای سرمایه گذاری، نوآوری و ریسک پذیری باقی نمی ماند. در مقابل، اگر دولت بخش خصوصی را به عنوان شریک در مدیریت بحران و ساختن آینده بپذیرد، می توان امیدوار بود که اقتصاد ایران از وضعیت برزخی امروز، به سمت ثبات نسبی و سپس حرکت تدریجی به سوی توسعه گام بردارد؛ مسیری که هرچند آسان نیست، اما بدون آن، هزینه های اقتصادی و اجتماعی بحران، سنگین تر و ماندگارتر خواهد شد.



برای جبران بخشی از خسارت های ناشی از جنگ استفاده کند. **راهکار چیست؟** کارشناس اقتصاد مهم ترین راهکار عبور از شرایط موجود را افزایش مشارکت بخش خصوصی دانست و اظهار کرد: تجربه

بسیاری از کشورهای جهان نشان داده حضور مستقیم بخش خصوصی در مدیریت بحران ها نتایج مؤثری به همراه دارد؛ چراکه بخش خصوصی آمادگی بیشتری برای پذیرش ریسک دارد، در حالی که بخش دولتی معمولاً با محدودیت های جدی در این زمینه مواجه است. فعالان بخش خصوصی با برخورداری از تجربه، تخصص و تنوع فعالیت ها می توانند بخشی از مشکلات اقتصادی کشور را مدیریت کنند و لازم است نقش و جایگاه این بخش در اقتصاد ملی بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ به ویژه در دوره پساجنگ که منابع دولتی محدود است و وابستگی صرف به بودجه عمومی می تواند بنگاه ها را شکننده تر کند.

وی در پایان اظهار کرد: تقویت نقش بخش خصوصی از طریق سازوکارهایی مانند فدراسیون مدیریت و مشاوران کسب و کار می تواند ضمن حفظ وضعیت موجود بنگاه ها، زمینه ساز رشد متوازن و حرکت اقتصاد کشور در مسیر توسعه ملی باشد. اگر مطالعات کارشناسی انجام شده به موقع در تصمیم سازی ها به کار گرفته شود و اتاق ایران، وزارتخانه ها و نهادهای مسئول، حفظ وضعیت موجود و مشارکت بخش خصوصی را در دستور کار اصلی خود قرار دهند، اقتصاد ایران می تواند از مرحله دفاع در برابر بحران، به مرحله تثبیت و سپس به مسیر توسعه بازگردد.



عبور از وضعیت فعلی، بدون بازتعریف رابطه دولت و بخش خصوصی ممکن نیست



ایران از ظرفیت های قابل توجهی برخوردار است و می تواند درست، ثبات خود را حفظ کند